

نگاهی به کتاب شهید عشق الهی رابعه عدویه

• دکتر محمد حسین بیات

شهید عشق الهی رابعه عدویه



مزارین پدای
زهره قهرمانی
در مشهد، زیره مایگی

- شهید عشق الهی، رابعه عدویه
- مترجم: محمد تحریرچی
- مؤلف: عبدالرحمن بدوی
- ویراستار: جهانگیری
- انتشارات مولی
- چاپ دوم، ۱۳۷۷
- بهای: ۱۵۰۰۰ ریال

این کتاب در ۲۲۷ صفحه، شامل یک مقدمه از ویراستار و مقدمه‌ای بسیار مختصر از خود مولف و متن و انواع فهرست‌هاست. ویراستار مقدمه را به اختصار با بیان ریشه تاریخی وحدت وجود آغاز نموده و گفته است: «این مساله مهم که بیش از هزار سال مورد بحث دانشمندان و عارفان بوده و طی قرون و اعصار باعث کشته شدن جماعت بی شماری شده، اصل و ریشه آن رابعه عدویه است. مثلاً حسین بن منصور حلاج که در سده سوم کشته شد جا پای رابعه عدویه گذاشت. جرم حسین بن منصور چیزی جز آتش عشق نبود که هستی وی را سوخت و چیزی از آن باقی نگذاشت. در نتیجه، سخن «نالالحق» از او شنیده شد. سخنان حلاج بعدها مدار و محور اصلی اندیشه شیخ محیی‌الدین بن عربی قرار گرفت و سبب پایه ریزی و تکوین عرفان نظری شد. سپس، ویراستار می‌افزاید: کتاب حاضر گامی تازه در شناساندن و معرفی کردن رابعه عدویه، این بانوی بزرگوار صوفی، برداشته است. این کتاب ترجمه کتاب شهیده عشق الالهی - رابعه العدویه اثر محقق مصری، دکتر عبدالرحمن بدوی است. که در دو بخش تنظیم شده است: الف) تحقیقی نسبتاً جامع با استفاده از کتب و رسائل چاپ شده یا نشده درباره رابعه عدویه و عصر او. ب) کتاب شناسی‌ها و نقل منابع فارسی و عربی و فرانسوی که درباره رابعه عدویه و عصر او مطلب دارند.

مقدمه مولف بسیار کوتاه و موجز است و در پایان بخش نخست کتاب و آغاز بخش دوم، آمده است. نویسنده در این مقدمه می‌گوید: «اینک به سراغ آن دسته از اخبار و اطلاعاتی می‌رویم که مورخان و نویسندگان، از زندگی رابعه عدویه بر ایمان باقی گذاشته‌اند». سپس می‌گوید: «من کوشیدم تا همه کتب و نوشته‌ها را درباره رابعه عدویه بدست آورم و در این کتاب بگنجانم و راه را برای محققان بعد از خود بگشایم و کار را تا حدی آماده تحویل به ایشان دهم. لیکن هرگز ما را ادعای آن نیست که به همه کتب و رسائل در این باب دست یافته باشیم. امید است که دیگر محققان کار را کامل‌تر کنند و به پایان برسانند».

بدان سان که در مقدمه گفته آمد، مطالب این کتاب در دو بخش آمده است. بخش نخست، تحقیق نسبتاً جامعی درباره زمان، مکان و معاصران رابعه عدویه است. و بخش دوم آن مربوط به آثاری است که در آنها به نحوی از رابعه،

سخن به میان آمده است. اینک، هر یک از دو بخش کتاب را بطور موجز و مختصر بررسی می‌کنیم.

بخش نخست: مولف در این بخش کتاب، نخست به معرفی شهر بصره و حال و هوا و مردمان آن سامان پرداخته و چنین گفته است: «طبیعت این شهر - که سال ۱۶ هجری ساخته آمد چنانست که تاجران، دولت مردان، دنیاپرستان پیوسته در کنار زاهدان، تارکان دنیا، عابدان و عارفان بزرگ قرار داشته‌اند. یکی از مساجد بزرگ، در میان بازار پر زرق و برق بصره قرار گرفته بود. گویی این مسجد بدان جهت ساخته آمده بود تا محرومانی که از دنیا و مظاهر آن چیزی نصیب شان نشده بود، بدان روی آورند و دلشان را تسکین دهند. همان مسجد پایگاه حسن بصری، صوفی و زاهد جلیل القدر، بود که پیروانش سخنان آموزنده اش را با گوش جان استماع می‌کردند و اشک ندامت نسبت به گناهانشان از دیدگان می‌ریختند. در همین شهر، در آن زمان پیر زنی هشتاد ساله در کلبه محقری می‌زیست. در آن کلبه، تنها یک تکه نمذ به چشم می‌خورد که هم فرش هم سجاده وی بود، به علاوه یک رخت آویز که کفنهایش را بر آن آویخته بود. علت وجودی این رخت آویز فقط همین بود: زندگی وی، مشابهت بسیار به زندگی ترزداویلا (Threse d'Avila) قدیسه و راهبه مسیحی، داشت. نام این صوفی مسلمان، رابعه عدویه است که بعد از توبه و انابه، تمام عمر در آتش عشق الهی سوخت. بدین جهت ما او را شهید عشق الهی نامیدیم. متأسفانه، از زندگی پرماجرایی وی، جز آثاری اسطوره گونه چیز دیگری به دست محققان و مورخان نرسیده است. با این وصف، ما کوشیدیم تا مدارکی را که به وی منسوب است از مدارکی که به رابعه دیگری نسبت داده‌اند، جفا کنیم. بنابراین، ما به گزارش اجمالی از تطور روحی وی خواهیم پرداخت». پس از این بیانات، مولف گوید: «از بخش اول زندگی رابعه عدویه چیزی جز گفته‌های شیخ عطار در تذکره الاویلیه، نداریم، شیخ عطار هم عارفی شوریده حال و خیال پرداز است. بنابراین، سخنانش را بنون تأیید از طریق دیگر مدارک نتوان پذیرفت. عطار در مورد کودکی، بلوغ و دوران پیش از توبه رابعه، طوری سخن می‌گوید که البته می‌توان پذیرفت چه بیشتر موارد موافق عقل باشد. مثلاً اینکه رابعه در خانواده ای بسیار فقیر و مستمند، چشم به جهان گشوده و پدرش حضرت رسول را در

رویا زیارت نموده و از زبان مبارک آن حضرت در عظمت آن دختر سخنانی شنیده است، همه موافق عقل است و امکان وقوع دارد. پس چنین نیست که تمام سخنان عطار حمل به اسطوره و افسانه شود».

نویسنده کتاب بعد از بیان این مطلب می‌گوید: «نکته مهم اینست که بدانیم رابعه عدویه از چه آئین و دینی متأثر شده و نغمه عشق ساز کرده و این آتش در جان دگران برافروخته است. بعید است که از ایرانیان تأثیر پذیرفته باشد. احتمال قوی می‌دهیم که تحت تأثیر آئین مسیحیت قرار گرفته باشد». مولف بعد از بیان این مطلب می‌گوید: «بی تردید رابعه عدویه خود و خانواده‌اش کنیز و برده بوده‌اند. او کنیز آل عتیک یکی از خانواده‌های بنی قیس بوده است، بدین جهت گاه او را رابعه قیسیه خوانند. سرانجام مولای وی، کارخارق العاده ای از وی مشاهده نمود و به دنبال آن آزادش کرد. رابعه بعد از آزاد شدن - طبق روایت عطار و دیگران مدتی به رامشگری پرداخت، سپس دست انابت به امید اجابت به درگاه با عظمت حضرت کبریایی برافراخت و توبه نمود. توبه رابعه عدویه به یکبار خاتمه نیافت، بلکه در طول زندگیش پیوسته در توبه قرار داشت. به دگر بیان، زندگی وی، توبه بهم پیوسته بود. صاحب کتاب *الروض الفائق*، روایت کرده که رابعه عدویه بعد از نماز عشاء، به پشت بام می‌رفت و مقنعه و چادرش را محکم می‌بست و تا سپیده صبح با معشوق و محبوب ازلی خود به راز و نیاز می‌پرداخت. هنگام صبح می‌گفت: «پروردگارا! شب به پایان رسید، صبح هم دمید. کاش می‌دانستم که این شبم را از من پذیرفتی تاخشنود گردم، یا آنکه رد کردی تا به عزا نشینم و سوگواری کنم.» نویسنده کتاب، اشعار بسیاری از رابعه نقل کرده و ادعا نموده که رابعه شاعر بوده است و از دیرزمان، قریحه شاعری در ذاتش نهان بوده و به صورت شعر عرفانی به ظهور رسیده است. از جمله قطعه معروف زیر است:

احیک حبین حب الوداد و حساباتک اهل لذاک
فاما الذی هو حب الوداد فحب شغلت به عن سواک
واما الذی انت اهل له فکشفک للحجب حتی اراک .
یعنی: خدایا! ترا به دو محبت دوست می‌دارم یکی به صورت محبت شخصی که عاشق باشم، دیگری محبتی که تو شایسته آنی. حب الودادم چنانست که بدان از غیر باز ماندم و بتو مشغول شدم. اما اثر محبتی که تو شایسته آنی، آن باشد که پرده‌ها را از برابرم کنار می‌زنی تا رویت بینم. نویسنده، این بخش را با ذکر قصه‌هایی از کتب و اسناد معتبر درباره رابعه و یادکر وفات وی، به پایان می‌برد. تاریخ وفات رابعه عدویه را با نقل سه گونه روایت بقرار زیر بیان می‌کند:

۱- طبق روایتی که ظاهراً راوی آن ابن جوزی باشد، وفات وی به سال ۱۲۵ هـ. اتفاق افتاده است.

۲- طبق روایت ذهبی، رابعه در سال ۱۸۰ هـ. دیده از جهان فرو بسته است

۳- مطابق روایت ابن خلکان در کتاب *وفیات الاعیان* وفات رابعه به سال ۱۸۵ هـ. بوده است. نویسنده بعد از نقل اقوال سه گانه، می‌افزاید: ماسینیون، با حجت‌های قاطع اثبات کرد که قول سوم درست‌ترین سخن در وفات رابعه عدویه است. بدیهی است که خودنویسنده نیز همین قول را اختیار کرده و گفته: حجت‌های استاد ماسینیون بسیار قوی و قاطع هستند. بنابراین، رابعه عدویه، یا در سال ۱۸۰ و یا ۱۸۵ هـ. وفات یافته است.

بخش دوم کتاب، بدان سان که بیشتر اشارت رفت مولف به کتاب شناسی پرداخته و کتب معتبری را که راجع به رابعه عدویه سخن گفته ذکر نموده است - کتب و رسائل منتشر شده و منتشر نشده - برجسته‌ترین آن آثار و ماخذ، بقرار زیر است: ۱- کتاب *البيان و التبيين* از جاحظ متوفی به سال ۲۵۵ هـ. در بخشی از این کتاب چنین آمده است: از رابعه سوال شده آیا کاری کرده‌ای که بدانی حتماً آن کار از تو پذیرفته شده باشد؟ رابعه در پاسخ گفت: اگر چیزی هم باشد، همانا ترس منست از آنکه اعمالم به من برگشت داده شود.

۲- کتاب *اللمع* از سراج متوفای سال ۳۷۸ هـ. که به اهتمام نیکلسون منتشر شده است. در ص ۳۲۲ آن در باب اثبات کرامات اولیاء از رابعه سخن به میان آورده است.

۳- کتاب *التعرف لمذهب اهل التصوف* از کلابادی متوفای سال ۳۸۰ هـ. در ص ۷۳ می‌گوید: سفیان ثوری پیش رابعه گفت: خدایا از ما خشنود باش. رابعه گفت: شرم نمی‌داری که رضای کسی می‌جویی که تو از او راضی نیستی.

۴- کتاب *کشف المحجوب* از علی بن عثمان هجویری، در ص ۴۶۷ چنین آمده: یکی از اهل دنیا به رابعه گفت: از من چیزی بخواه تا مرادت حاصل کنم. رابعه گفت: من شرم دارم از خالق دنیا، دنیا خواهم پس چگونه شرم ندارم که از چون خویشنتی چیزی خواهم؟

۵- کتاب *اسرار التوحید* از محمد بن منور. در این کتاب از ابوسعید ابوالخیر نقل شده که گفت: رابعه را پرسیدند: چگونه این چیزها را یافتی؟ رابعه پاسخ داد: بواسطه مکرر خواندن این ذکر: «اعوذ بک من کل شغل یسغلی»

۶- مجموعه نصوص منتشر نشده، ویژه تصوف اسلامی از ماسینیون.

۷- کتاب *عقلاء المجانین* از ابوالقاسم حسن بن محمد نیشابوری، متوفای سال ۴۰۶ هـ. اشعار فراوانی از رابعه نقل





کرده است که جهت پرهیز از اطاله کلام از ذکر آنها صرف نظر شد.

۸- کتاب انحف الساده المتقین در شرح احیاء علوم الدین غزالی از زبیدی، در جلد ۹ ص ۵۷۶ کتاب چنین آمده است: سفیان ثوری در مقابل رابعه عدویه می‌نشست و می‌گفت: از مکاشفات چیزی به ماتعلیم فرما. رابعه می‌گفت: تو اگر دنیا دوست نبودی مرد خوبی می‌بودی. این کتاب درباره رابعه و معاصرانش سخن بسیار به تفصیل بیان داشته است.

۹- کتاب رساله قشیریه از ابوالقاسم قشیری. در باب رضا چنین گفت: رابعه را پرسیدند: بنده کی راضی باشی؟ گفت: آنگاه که از محنت شاد شود همچنانکه از نعمت.

۱۰- کتاب صفه الصفوه از ابن جوزی ج ۴، ص ۵۷، نسخه خطی در کتابخانه ظاهریه دمشق، گوید: عبدالله بن عیسی گفت: به خانه رابعه عدویه وارد شدم، در چهره اش نور خدا دیدم. مردی پیش وی آیاتی چند از قرآن مجید تلاوت کرد که در ضمن آنها از آتش دوزخ سخن رفته بود رابعه فریاد برآورد و افتاد.

۱۱- کتاب مجموعه الرسائل و المسائل از ابن تیمیه، ج ۱، ص ۸۱ - ۸۰ در مورد رابعه سخن رانده و او را از انواع اتهامات میرا دانسته است.

۱۲- جزء سوم از کتاب عیون التواریخ از صلاح محمدبن شاکر کتبی، بشماره ۴۴ در کتابخانه ظاهریه دمشق.

۱۳- کتاب مصارع العشاق از ابی محمد محمدبن حسین سراج، چاپ جوائب ۱۲۰۱ در استانبول. در صفحات ۱۲۶ و ۱۸۱ در مورد رابعه عدویه به تفصیل سخن گفته است.

۱۴- کتاب طبقات الاولیاء از شیخ عبدالرئوف مناوی بشماره ۴۱۶۴ نسخه خطی در کتابخانه ظاهریه دمشق. در این کتاب نیز از رابعه عدویه سخن به تفصیل رفته و کراماتی بدو نسبت داده شده است.

۱۵- آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری همچون تذکره الاولیاء، الیهی نامه و منطق الطیر و... بدان سان که در بخش اول این نوشتار گفته آمد، آثار شیخ عطار - بویژه تذکره الاولیاء - کامل ترین ماخذ در شناخت رابعه عدویه است.

۱۶- کتاب الروض الفائق فی المواعظ و الرقائق چاپ مصر. در مجلس ۲۷ ص ۱۱۷ هنگامی که از مردان و زنان پرهیزگار سخن به میان آمده، رابعه عدویه را به عنوان زن بسیار پارسا یاد کرده و اشعاری از وی نقل نموده و سخنان مشهور وی را آورده است.

۱۷- کتاب کنشکول از محمد بهاءالدین عاملی، چاپ بولاق در ص ۱۳۴ گفته: از رابعه عدویه سوال شد: کی بنده از خدای تعالی راضی گردی؟ گفت: وقتی که از محنت و مصیبت چنان

شاد شود که از نعمت.

۱۸- کتاب النجوم الزاهره از ابن تغری. چاپ دارالکتب المصریه. ج ۱، ص ۲۳۰ در مورد رابعه عدویه بصری سخن گفته و وی را ستوده است.

۱۹- کتاب روض الریاحین فی حکایات الصالحین از ابومحمد عبدالله بن اسعد یافعی. متوفای سال ۷۶۹ ه. چاپ قاهره در ص ۱۰۱ در مورد رابعه عدویه سخن گفته است.

۲۰- کتاب حکایاتی از رابعه نسخه خطی بشماره ۱۲۴۲ عربی، در کتابخانه واتیکان ص ۸۳ در مورد رابعه سخن گفته است.

۲۱- کتاب نفحات الانس عن رشحات القدس از عبدالرحمن جامی متوفی ۸۹۸ ه. در بخش ذکر زنان عارفه‌ای که به مقام رجال رسیده باشند، از رابعه سخن گفته است.

۲۲- کتاب کنوز الاولیاء و رموز الاصفیاء از ابولیت محرم بن ابی البرکات. نسخه خطی در کتابخانه ظاهریه دمشق.

۲۳- کتاب شذرات الذهب از ابن عمار خنبلی چاپ قاهره.

۲۴- کتاب التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع از ابوالحسن محمدبن احمد ملطی.

۲۵- کتاب شرح حال الاولیاء از شیخ عزالدین بن عبدالسلام، نسخه خطی بشماره ۱۶۴۱ در کتابخانه ملی پاریس.

۲۶- کتاب سیر السالکات المومنات الخیرات از ابوبکر حصنی، نسخه خطی بشماره ۲۰۴۲ در کتابخانه پاریس.

۲۷- کتاب مرآة الزمان از ابوالمظفر یوسف معروف به سبط ابن جوزی متوفای سال ۶۵۴ ه. نسخه خطی بشماره ۱۵۰۵ در کتابخانه ملی پاریس.

این بود برجسته ترین منابعی که نویسنده بدان‌ها دست یافته است. بگفته وی، اینها تنها منابع در شناخت رابعه نیستند، چه ممکن است ده‌ها کتاب و رساله در این باب در کار باشد که وی بدانها دست نیافته است. در پایان شاپان ذکر است که مترجم محترم، بخش نخستین کتاب را بطور کامل ترجمه نموده و رنج فراوان برده که برگردن خوانندگان حق بسیار پیدا کرده است. لیکن از دومین بخش کتاب، تنها محتوای چهار کتاب نخستین را ترجمه کرده و باقی را به حال خود رها نموده است. بجا بود که همه بخش‌های کتاب ترجمه می‌شد تا خوانندگان فارسی زبان حناکتر استفاده را از آن می‌بردند. کیفیت ترجمه، از جهت رساندن محتوا خوبست لیکن از حیث جمله‌بندی ادبی بی‌اشکال نیست و گاه ضعیف است.